



معرفی سبک شناسانه نسخه خطی مدهوش گلپایگانی؛ انعکاس آن در کتیبه های بناهای قاجاری

شایسته ابهچی عزآبادی^۱، عزیزالله توکلی^۲ ID، محمود صادق زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، animus.phonix@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، a.tavakolli98@gmail.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، msz_41@yahoo.com

چکیده

پس از دوره صفویه و در عصر نادرشاه افشار، اندیشه های مخالف با سبک هندی در میان شاعران و ادیبان شکل گرفت که در دوره زندیه به نهضتی ادبی تبدیل شد. با استقرار حکومت قاجار و برقراری آرامش نسبی، فضای مناسبی برای فعالیت های ادبی پدید آمد. یکی از چهره های برجسته این دوره، شاعر و ادیبی با تخلص «مدهوش» است که به عنوان ملاباشی حیدر قلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار، فعالیت می کرد. وی علاوه بر تسلط به زبان عربی و هنر خوشنویسی، دارای دیوانی مشتمل بر قصاید، مثنویات، غزلیات، رباعیات، قطعات و منشآت است. از این شاعر، ۹ نسخه خطی در کتابخانه های معتبری همچون کتابخانه ملی تبریز، کتابخانه مرعشی قم، کتابخانه ملک، کتابخانه مجلس و دانشگاه تهران نگهداری می شود. با توجه به تنوع آثار و غنای مضامین شعری مدهوش، تصحیح انتقادی و مطالعه سبک شناختی آثار او به عنوان گنجینه ادبی، ضرورتی انکارناپذیر است. این پژوهش با هدف «معرفی سبک شناختی نسخه خطی مدهوش گلپایگانی و بررسی انعکاس آن در کتیبه های بناهای دوره قاجار» به روش کتابخانه ای و با تحلیل محتوای ۶۷۰۰ بیت از دیوان وی انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که مدهوش در قصاید از سبک خراسانی و در غزلیات از سبک عراقی پیروی کرده و در این مسیر، متأثر از شاعرانی چون عنصری، فرخی، حافظ و سعدی بوده است. همچنین، بررسی های تطبیقی حاکی از آن است که مضامین و ساختارهای سبکی به کار رفته در اشعار مدهوش، در کتیبه های تزئینی بناهای قاجاری نیز بازتاب یافته و پیوندی ناگسستنی بین ادبیات و هنر معماری این دوره برقرار کرده است.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل و طبقه بندی عناصر سبکی غالب در دیوان مدهوش گلپایگانی و پیشینه های ادبی آن.
۲. شناسایی و تبیین پیوندهای میان مضامین شعری این شاعر و هنر کتیبه نگاری در معماری عصر قاجار.

سؤالات پژوهش:

۱. مهم ترین ویژگی های سبکی نسخه خطی مدهوش گلپایگانی در قالب های قصیده و غزل چیست؟
۲. چگونه این ویژگی های سبکی در محتوا و فرم کتیبه های تزئینی بناهای دوره قاجار انعکاس یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۱۳ الی ۲۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

کتیبه های قاجاری،
تصحیح انتقادی،
سبک شناسی،
نسخه خطی،
مدهوش گلپایگانی.

ارجاع به این مقاله

ابهچی عزآبادی، شایسته، توکلی، عزیزالله و صادق زاده، محمود. (۱۴۰۲). معرفی سبک شناسانه نسخه خطی مدهوش گلپایگانی؛ انعکاس آن در کتیبه های بناهای قاجاری. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۱۳-۲۶.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.52.6.1](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.52.6.1)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.245854.1323

مقدمه

دوره قاجار از نظر ادبی به جهت تغییر و تحول فاحش و مطلوبی که در نظم و نثر به جهت رهایی از منلت انحطاط و زوال سبک هندی ایجاد شد، بسیار برجسته و ممتاز است (حمیدی، ۱۳۶۴: ۱۳) از این دوره چهره های شاخصی در فرهنگ و ادبیات این سرزمین ظهور نمودند؛ از جمله مدهوش گلپایگانی از دیار ادب پرور گلپایگان (جربادقان)، که به اندک زمانی در شعر، خط، علم و ادب از سرآمدان عصر خود شد. کلیاتی که از او به جا مانده، مجموعه ای از انواع قالب های شعری و آمیخته ای از مضامین عاشقانه، عارفانه، تعلیمی و حکمی به نظم و نثر است که آنگونه که بایسته آن بوده، معرفی و ارزش گذاری نشده و گمنام مانده است. موضوع اصلی این پژوهش، شناسایی زندگی، شخصیت، افکار، معرفی نسخه خطی و ویژگی های شعری مدهوش است.

مسلماً تحقیق درباره شاعر و ارزش ادبی اشعار اول، ما را در بازشناسایی این شاعر و ادیب دوره قاجار، یاری خواهد کرد. این پژوهش بر اساس متن تصحیح شده نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است.

اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی عصر قاجار

قرن سیزدهم به جهت تجدیدخواهی رنسانس با سده های پیش از خود متفاوت است (تاریخ ادبیات ایران از دوره باستان تا قاجاریه، یان ریپکا، ج ۱: ۶۶۹). در این قرن، قلمرو حکومت ایران فراتر از مرزهای کنونی ایران بود (تاریخ ایران کمبریج از باستان تا قاجاریه، پیتروری، ج ۷: ۷۱) در این دوران حکومت طولانی فتحعلی شاه (۱۱۷۶-۱۲۱۲ خورشیدی) در جهت احیای پادشاهی ایران با تأکید محسوس بر امور فرهنگی حرکت می کرد؛ به ویژه آن که امنیت نسبی و حضور حکومتی واحد نیز عرصه را برای فعالیت های علمی و فرهنگی بیشتر کرد و دربار او محل آمدوشد علما و دانشمندان شد.

او که خود نیز از طبع شعر برخوردار بود «انجمن خاقان» را باهدف احیای سنت دربار ایران باستان برپا کرد و با تشویق شعرا، شعر و شاعری را رونق داد (از صبا تا نیما، آرین پور: ۱۵). فتحعلی شاه، سنت سلسله های پیشین ایران را درپیش گرفت و حکومت ایالات را بین پسران و نوه های تقسیم نمود تا آنها را برای شرایط اضطراری یا همان مسؤولیت مشترک خانوادگی، آماده و از دسیسه چینی علیه یکدیگر دور کند. به این شاهزادگان مأمور در مناطق کشور، اصطلاحاً «بیگلربیگی» می گفتند. این شیوه مدیریت، شاه را قادر می ساخت تا تعادل بین عناصر سیاسی مختلف در کشور، ایجاد کند. (تاریخ ایران کمبریج از باستان تا قاجاریه، پیتروری، ج ۷: ۷۷)

قرن سیزدهم از لحاظ تطور ادبی و ظهور شاعران و نویسندگان باذوق و رونق بازار ادب و هنر از اعصار ممتاز و برجسته شمرده می شود. قدیمی ترین روزنامه را در ایران، میرزا صالح شیرازی به سال ۱۲۵۴ زمان فتحعلی شاه راه انداخت؛ هرچند دیری نپایید (سبک شناسی بهار، بهار، ج ۳: ۳۴۳)، نفیس ترین کتب چاپی تازی و فارسی در دوره

قاجار از چاپ بیرون آمد. در این دوره، همچنین دارالترجمه دولتی و علوم، در نشر کتاب‌های قدیم و جدید، ید بیضا نمودند و جنبش بزرگی در ادبیات پیدا آمد (تاریخ ایران کمبریج از باستان تا قاجاریه، پیتروری، ج ۷: ۳۴۴).

در این عصر، نشر ادبی دوره را پیمود: اول، نشر ادبی؛ زمانی که یا تقلید قائم مقام در کار بود و یا به نشر قبل از مغول و بیهقی و جرفادقانی و دیگر مورخان نظر دارد. دوم، نشر ساده و موجز (سبک‌شناسی بهار، بهار، ج ۳: ۳۷۰).

در حوزه شعر در این دوران، سبک «بازگشت ادبی» متولد شده بود و آن به این دلیل بود که در سبک هندی، ظرافت اندیشه، نازک‌خیالی و باریک‌بینی به کمال رسیده بود و شعر فارسی صورت معما و لغز را پیدا کرد؛ برای این که ادبیات از این بن‌بست، رهایی یابد، شعرایی چند هماهنگ به آیین و روش شعرای قرون اولیه سخن گفتند و معانی ملایم را با اصطلاحات و الفاظ ساده به کار بردند و این کیفیت را بازگشت ادبی نامیدند.

دکتر شمیسا معتقد است از عوامل سیاسی، اجتماعی مؤثر در پیدایش نهضت بازگشت ادبی می‌توان به تاراج کتابخانه اصفهان در حمله افغان‌ها و به دست مردم افتادن این کتب و تضعیف جامعه به جهت تغییر احوال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بر اثر شکست ایران از روسیه تزاری و اعمال نقش دولت‌های استعماری، اشاره کرد (انواع ادبی، شمیسا: ۲۰۶). تغییر و تحول فاحش و مطلوب نظم و نشر در این قرن به جهت رهایی سخن فارسی از مذلت انحطاط و خطر زوال نازک اندیشی‌های افراطی سبک هندی، قرن سیزدهم را برجسته و ممتاز نمود؛ البته این تغییر و تحول در اواخر قرن دوازدهم به وسیله مشتاق و عاشق اصفهانی آغاز و در اوایل قرن سیزدهم، قوی‌تر و محسوس‌تر و زیباتر جلوه نمود. (شعر در عصر قاجار، حمیدی: ۱۳)

مدهوش گلپایگانی

ملا محمد صادق گلپایگانی، ادیب، شاعر و خطاط دوره فتح‌علی‌شاه قاجار است. تخلص او، نخست «نزهت» بوده و سپس به «مدهوش» تغییر یافته است (گلپایگان در آئینه تاریخ، اشراقی: ۴۷۹). سال دقیق تولد و فوت او نامعلوم، اما تاریخ دقیق کتابت کلیات مدهوش به خط خود شاعر، ۱۲۶۴ هجری قمری است. (نسخه خطی دیوان مدهوش، به شماره ۳۵۴۶، کتابخانه ملی تبریز)

از مطالعه تاریخ ادبیات ایران در نخستین وهله، این حقیقت آشکار می‌شود که حامیان و ترویج‌کنندگان شعر و ادب در هر عصر و هر دوره غالباً پادشاهان و امیران و فرماندهان بوده‌اند؛ زیرا بهترین وسیله تبلیغ در جهت معرفی نمودن صفات و تحسین اخلاق و بیان کشورگشایی و کشورداری این طبقه بوده است. (تجربه کار، ۱۳۵۰: ۳۲) بر این اساس، محمد صادق گلپایگانی ملامطی و ملازم حیدر قلی میرزا یکی از پسران فتح‌علی‌شاه و حاکم گلپایگان شد.

در تذکره خاوری درباره این شاهزاده آمده است: حیدر قلی میرزا، المتخلص به خاور، از حیثیت والده بزرگوار، انجب از جمیع شاهزادگان والاتباع است و والده معظمه اش صبیئه مرحوم مرتضی‌قلی خان قاجار، عم بزرگوار صاحبقران تاجدار که سال‌ها در دولت روسیه به سر می‌برد و در همان جا با هزاران حسن مُرد. معزی الیه شاهزاده‌ای است به

کمالات ظاهری موصوف که در فن نظم، طبع روشنی دارد و مضامین نیکو به وزن می آرد (تذکره خاوری یا خاتمه روزنامه‌چه همایون، حسینی شیرازی، ج ۱: ۲۵).

مدهوش به حدی شیفته این شاهزاده ادب‌دوست بوده که حتی مجموعه اشعارش را گاه دیوان خاوری نامیده و بارها در اشعارش از تخلص ممدوح خود استفاده کرده است. مدهوش معلمی اهل علم و فضل بوده که در زمان خود نیز به صداقت سخن و اندیشه، شهرت داشته است.

در جلد دوم فرهنگ سخنوران به نقل از محمود میرزا قاجار، درباره این شاعر آورده است «اسمش محمدصادق، علماً و عملاً، عالم و معلم است. اصلش از شهر گلپایگان است و هم در آن مدینه، شام تا به بام خانه‌اش، ملاذ دانشمندان و درسجای سخن‌دانان بود، بهتر و مهتر موزونان و صاحب‌کمالان آن دیار است. بعد از مشرف ساختن نواب حیدر قلی میرزای شاهزاده آن ملک را، از کیاست بسیار و تیزهوشی، این سخن‌دان را در بر خودخوانده و به منصب ملاباشی‌گری خود مزیتی بخشیدش. پس از کناره‌جویی از آن ملک، نواب معزی الیه از رسوم حقوق، تفضی نجست. هم با جنابش به دارالخلافه شد. مجملاً آدمی، آدمی‌وش است و در حضر هم با اخلاقی خوش، نظماً و نثراً با بهره زیاد، در علم عربیت با حظ و نصیب، در قلوب ناس محبوب» (فرهنگ سخنوران، خیام‌پور، ج ۲: ۳۱۲-۳۱۱).

از آثار مدهوش می‌توان به کلیات آثار او که در قالب یک نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره (۷۱۷۴) نگهداری می‌شود، اشاره کرد. نسخه مذکور دارای ۱۶۲ برگه و ۳۲۴ صفحه و ۲۰ سطر در هر صفحه و به خط نستعلیق شکسته به تاریخ ۱۲۶۴ قمری است (فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا)، درایتی، ج ۱۵: ۸۳۱). نسخه مذکور با ۵۸ صفحه نثر و با جملات زیر آغاز شده است:

«بسم له. سبحانک اللهم یا ذالوجود و الکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ... شبی شاهد تجرید امام بودم و باده توحید را طلبکار، با دل در میان رازی داشتم و با دولت نیاز عرض نیازی ...»

این نسخه شامل مجموعه‌ای از اشعار به شرح ذیل است: مثنوی یا پندنامه در پنج باب که هر فصل شامل چند مثنوی با موضوعات توحید، نعت خدا، نصایح، مسائل تعلیمی، اخلاقی و عرفانی است.

- ۲۲ قصیده با مضمون مدح پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، مدح فتحعلی‌شاه، تهیت جشن نوروز، هلال شوال و وصف طبیعت.

- ۱۸۸ غزل درباره عشق و تغزل

- ۷۰ قطعه با مضامین اخلاقی و تعلیمی

- ۹۱ رباعی

این نسخه اشعار دیگری نیز دارد که به صورت حواشی و به طرز زیبایی کتابت شده است.

سبک شاعری مدهوش

پربکاربردترین اوزان عروضی در دیوان مدهوش به ترتیب: هزج، رمل، مضارع و خفیف است. بسامد بحور سالم، کم و بیشتر از زحافات عروضی استفاده نموده است، اوزان و بحور طولانی، تخفیف واژه جهت تکمیل و حفظ وزن عروضی بسیار است، قوافی ساده و روان و البته همراه با حساسیت شاعرانه به جهت انتخاب واژه‌های دارای تشخص است. عیوب قافیه بسیار کم و اغلب غیر ملقبه است. استفاده از قافیۀ میانی به جهت افزایش جنبه موسیقایی سخن، در دیوان مدهوش متداول است:

از صبر گفتم حاصل است آن آرزو کاندل دل است عشق و صبوری مشکل است ای عقل تدبیری دگر

(مدهوش، غ ۹۳، ب ۲)

افزودن «ه» به آخر کلمات مختوم به مصوت بلند «آ» به پیروی از شعر سبک خراسانی متداول است.

خواستم تا پی خدمت ز پس شکر نهم دست بر چشم و به تقدیم کنم پشت دوتاه

(همان، ق ۴، ب ۲۰۱)

استفاده از ردیف به عنوان یکی از عوامل ایجاد موسیقی کناری در نیمی از اشعار در قالب ردیف اسمی، فعلی و حرفی متداول است.

از نظر لغوی، به جهت تسلط شاعر بر زبان عربی، شاهد بسامد بالای واژگان عربی هستیم؛ از جمله: «ماشطه، خورنق، مرق قهیز، حظیره، قضاء، محمل، قایم القطاع، والی الایتام، صعوه و ...» حروف اضافه بر، از، در، به، و ز یا ز مخفف به تقلید سبک خراسانی بسیار است: از اسم‌های مرکبی چون «ذوالفقار، سرمست، ام البلاد، چمن زاد و ...» استفاده کرده، اما استعمال واژه‌های ساده و بسیط، بیشتر است. استفاده از اعضای بدن چون «دست» و کاربرد اسم معنی به تقلید اشعار سعدی بسیار است.

در دیوان مدهوش، تحت تأثیر سبک خراسانی از کلمات به شیوه کهن استفاده شده به طور مثال: همی (شکل کهنه می) کاربرد «اندر» به جای «در»، تخفیف کلمات چون «ز» بجای «از»، «بدان» به جای «به آن»، «ره» به جای «راه»:

ای که ره جویی بر آن ماه را رو دلیلی جو که یابی راه را

(همان، مثنوی ۳، ب ۹)

- کاربرد واژه‌های کهن در غزلیات، زیاد و در قصاید، کمتر است چون: بنده و داه، جوق، دریوزه، میاه، دیرمان، غنج و دلال، طغرا، غلغل ...

غلغل می گنبد اخضر گرفت

نغمه بلبل به ثریا رسید

(همان، قصیده ۲، ب ۴۲)

به تقلید از سبک خراسانی استفاده از اعداد در ترکیب‌سازی، نمود بسیار یافته است:

گشت این هفت فزا داغ نه طارم

گشت این چار چمن رشک ده هفت‌اورنگ

(همان، ب ۱۹۸)

از نظر نحوی، اغلب مصراع‌ها، کوتاه و روشن، است. استفاده بسیار از استفهام انکاری، جمع با آن، تقدم فعل بر متمم، مفعول، قید و ضمیر متصل مفعولی به تقلید از سبک کهن شعر فارسی بسیار است.

استفهام انکاری:

چون مرا، دل بنده آزاد اوست

من کجا و شکوه از بیداد دوست

(همان، مثنوی ۷، ب ۱۳)

تقدم فعل بر ارکان جمله:

کی به راه عشق از عشاق پیش

گفت با وی شهریار عدل کیش

(همان، مثنوی ۴، ب ۱۷)

شاعر گاه به جهت حفظ وزن و قافیه به واژه‌سازی پرداخته به طور مثال از اسم، فعل ساخته است که در اصطلاح دستوری مصدر جعلی گفته می‌شود، از شاخصه‌های شعری مدهوش است:

غافل مشو ز گریه مینا به نوبهار وقتی گل بخندد و باران بنمنمت

بار فراق بر من مسکین منه کز بار هجر قامت گردون بخمخمت

(همان، غزل ۶۰، ابیات ۲-۳)

از نظر فکری، غزلیات، آمیخته‌ای از مضامین عاشقانه و تا حدی عرفانی و تحت تأثیر سبک عراقی است. عاشق با تمام وجود، شیفته معشوق خویش است، به گونه‌ای که هرگونه عتاب و خطاب معشوق را به جان می‌پذیرد. عشق در غزلیات مدهوش، بیشتر مجازی و گاه حتی مذکر است؛ زیرا از اعضای بدن و احساسات شخصی، به پیروی از عشق مجازی و جسمانی سبک خراسانی بسیار سخن گفته است.

بر قتل آن زیبا پسر خنجر کشید اما نکشت ای سینه از تو ناله‌ای ای ناله تأثیر دگر

(همان، غزل ۹۳، ب ۴)

مدهوش به دلیل آگاهی از علم نجوم و فلسفه، در حد متعادلی از اصطلاحات این علوم، استفاده کرده است در ادامه به تفکیک نمونه‌هایی عرضه می‌شود:

فلسفه و نجوم:

کوکبش گر همه کیوان و حمل باد شرف اخترش گر همه برجیس و کمان باد و بال

(همان، قصیده ۴، ب ۱۹۷)

محور اصلی قصاید ستایش خدا، مدح پیامبر اکرم (ص)، امامان و حاکمان دوران خود و ستایش ممدوحان با بهره‌گیری از شخصیت‌های مذهبی و گاه اساطیری است. بیشترین مدح او متعلق به شاهزاده حیدر قلی میرزا حاکم گلپایگان است که در اشعارش او را «ولی نعمت» خود نامیده و از وی با تخلص «خاور» بسیار یاد کرده است:

خاور آن کز مدد بخت، چنان فیروز است که به تسخیر جهان، رنج سپاهی نبرد

(غزل ۴۸، ب ۷)

در قصیده‌ای به مطلع:

نوبهار است به گلزار نسیم سحری می‌دهد مژده که گل راست گه جلوه‌گری

(دیوان مدهوش، قصیده ۱۷، ب ۱)

ناصر دولت و دین داور عادل خاور که ازو دولت و دین گشته ز هر نقص بری

(همان، ب ۱۰)

در قصیده‌ای به مطلع:

دلبرا دل هدف ناوک مژگان تو باد سینه آماج گه غمزه فتان تو باد

(قصیده ۱۸: ب ۱)

مگر انصاف ملک زاده عادل روزی والی داد من و حاکم دیوان تو باد

(همان: ب ۲۲)

شهریارا، ملکا، ای که همی دولت و بخت از سلف تا به خلف سلسه جنبان تو باد

(همان: ب ۲۵)

از دیگر ممدوحان مدهوش، شاهزاده «محمدتقی» ملقب به «حسام السلطنه» است:

ناصر ملک، ملک زاده محمد تقی آنک بر درش دهر بود خادم و گردون مزدور

(قصیده ۸، ب ۱۹۲)

مدهوش از شاعران هم دوره خود «نشاط اصفهانی» را ستوده است:

عالم فضل و هنر معتمد الدوله نشاط که مر او راست فلک بنده ملک فرمان‌بر

(قصیده ۵، ب ۱۹۴)

شیوه مدح برداری مدهوش تحت تأثیر مدایح انوری، عنصری، فرخی و شاعران عصر غزنوی و سلجوقی است. قطعات او هم به تقلید شعرای کهن، دارای مضامین اخلاقی و تعلیمی است.

شرم باد از باد کبر و آتش خشمش که هست اولش یک قطره آب و آخرش یک‌مشت خاک

(قطعه ۱۲: ب ۸)

از بین آرایه‌های ادبی تکرار، اغراق، مراعات‌النظیر، تضاد، موازنه، جناس، تلمیح و ... به پیروی از سبک خراسانی، به‌وفور در اشعار مدهوش دیده می‌شود که در ادامه بعضی نمونه‌ها را ارائه خواهیم کرد

تضاد:

این آرایه بدیعی، علاوه بر آن که به‌عنوان یکی از عناصر شعری سبب زیبایی سخن می‌شود، وسیله‌ای برای مفهوم‌سازی نیز به شمار می‌رود.

درد من گوید یک ره، با طبیبم دوستان گرچه خاطر از پی درمان بیماریش نیست

(غزل ۸: ب ۴)

تلمیح:

تلمیح نیز یکی از آرایه‌های پرکاربرد دیوان مدهوش است که در آن بیشتر، به داستان‌های گذشتگان، قصص انبیا و داستان‌های قرآنی جلوه فراوان دارد؛ از آن جمله، تلمیح به داستان‌های حضرت محمد (ص)، امام علی (ع)، مور و سلیمان، یوسف، موسی، عیسی، ابراهیم، نوح، مریم، صالح، ابوجهل و ... شخصیت‌هایی چون رستم، بهرام، نوذر، کاوس، سنجر، مانی، زال کیقباد، افراسیاب، پشنگ، سام، لیلی و مجنون، افلاطون، مانی، حاتم، اسکندر، رسطاليس و نیز اشاره به جنگ ایران و توران، قصر خورنق ... بدیهی است، تلمیحات بسیار، نشان‌دهنده گستره آگاهی شاعر و تنوع مضامین اشعار او نیز است.

-یوسف از چاه شد برون وین دل دایم اندر چه زنخدان است

(غزل ۷:ب ۴)

برِ مجنون سخن از غیر مگو که به جز لیلی و بس شناسد

(غزل ۵۰:ب ۸)

موازنه یا مماثله:

از دیگر آرایه‌های پرکاربرد، مماثله است که نوعی هنرنمایی شاعرانه است که نشان‌دهنده مهارت شاعر در انتخاب الفاظ و ایجاد توازن و تناسب در ابیات است.

-آن کز کرمش شهد بود بهره‌ ارواح آن کز سخطش زهر بود قسمت آجال

(غزل ۹۲: ب ۲)

جناس:

انواع جناس با بسامد بالایی در اشعار مدهوش به چشم می‌خورد.

جناس اشتقاق:

- بود بیگانگی خوش‌تر که باشد به عالم آشنا بیگانه ما

(غزل ۲: ۹)

جناس ناقص افزایی:

- گذر از یار و گذر ای مدهوش مدحت داور بن دارا را

(غزل ۱: ۹)

جناس استهلالی:

از آرایه‌هایی که بسیار به جنبه موسیقایی شعر مدهوش افزوده، کاربرد واژگانی است که در صامت اول با هم مشترک هستند و این واژگان به صورت ترکیب اضافی و وصفی و گاه به صورت عطف نیز با اندکی فاصله آمده است.

- سر و سنبل تور رو سوری ساز و سامان و سلام در بهارت هفت‌سین دوستان باز آمدی

سم و سهم و سوگ و سختی شکست و سرسام و سفر روز عیدت هفت‌سین و دشمنان باز آمدی

(قصیده ۴: ۵۱-۵۲)

مراعات النظیر:

بالاترین بسامد آماری متعلق به این آرایه است که دارای گیرایی و زیبایی بسیاری است؛ به حدی که مخاطب از شنیدن آن و درک پیوند بین اجزای متناسب، به حس لذت می‌رسد.

در بیت زیر واژه‌های (چشم، دل، دست) و (خون، دل) آرایه مراعات نظیر دارند

- تا به کی در خون کشد چشمت دل صدپاره را چند خنجر می‌دهی بر دست این خونخواره را

(غزل ۴: ۱)

-مطرب دلم از عراق تنگ است بردار رهی که در حجاز است

(غزل ۶: ۳)

تکرار:

تکرار به شیوه‌های گوناگون چون تکرار کلمات، ترکیب‌ها، واژه‌های قافیه و تکرار به شیوه اعنات یا لزوم ما لایلزم، چشمگیر و آشکار است. این تکرار گاه بجهت تأکید و تأیید سخن و گاه به جهت زیبایی آفرینی است.

-دل را کجا امید رهایی ز بند تو است که آن ناتوان اسیر و اسیر کمند تو است

(غزل ۹: ۱)

-سرو را قامت و چون قامت دلجوی تو نه ماه را عارض و چون عارض گلفام تو نیست

(غزل ۱۰: ۲)

اغراق:

بدیهی است اغراق به عنوان عنصر اصلی شعر از درون‌مایه‌های مدح است که اوج رونق آن دوره غزنوی است. اشعار مدهوش، از نوع شعر مدحی است و به تبعیت از شعر دوره بازگشت در مدایح خود غلو را از حد گذرانده و بسیار اغراق کرده است.

-آ که از هجر تو غیر از چشم خونباریش نیست شکرها گوید که منت ز ابر آذاریش نیست

(غزل ۸: ۱)

-خون ما ریخت نرگش آری نکند تُرک، ترک خونخواری

(غزل ۱۷۰: ۲)

صور خیال

تشبیه

تشبیه در قصاید او بیشترین بسامد و مجاز کمترین بسامد را دارا هستند. در بین آرایه‌های ادبی، تشبیه برجسته‌ترین صور خیال است. از انواع تشبیه، تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)، تشبیه عقلی و وهمی و تشبیه معقول به محسوس مشهود است. مدهوش نیز که از پیروان سبک خراسانی به‌ویژه عنصری است، این شکل تشبیه را به‌وفور در اشعارش استفاده کرده است.

– ای که رخ بدر تمام است تو را بازگو این چه خرام است تو را

(غزل ۳: ۱)

استعاره

استعاره مصرحه دارای بسامد فراوان است «تشخیص از عناصر اولیه شعر است، اما همه شاعران طبعاً به یک اندازه و یکسان از آن استفاده نمی‌کنند.» (طرز عنصری، غلامرضایی: ۶۴)

– کرده صید دل خلقی به نگاه این غزالی که به دامست تو را

(غزل ۳: ۴)

– نهان کردیم اندر دل غم عشق عجب گنجی است در ویرانه ما

(غزل ۲: ۲)

کنایه

کنایه دارای بسامد بالا و از نوع ایما و اغلب کنایه فعل است.

– بود تا حشر، سرگردان مگر چرخ کشیده ساغر از خم‌خانه ما

(غزل ۲: ۴)

– جان‌به‌لب آمد از جدایی تو آه از دست بی‌وفایی تو

(غزل ۱۳۷: ۲)

مجاز:

کمترین بسامد صور خیال، مجاز است.

- کار با زلف بتان افتاد و می‌دانم که باز این دل دیوانه جز مشق جنون کاریش نیست

(غزل ۸: ۲)

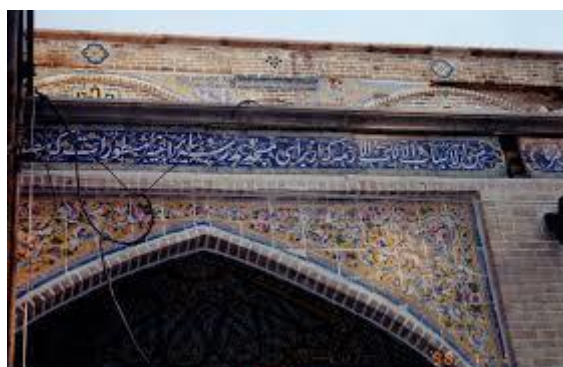
(زلف و دل مجاز از وجود)

کتیبه‌های بناهای قاجاری

نتایج حاصل از این پژوهش سبک‌شناختی، امکان ردیابی و مقایسه ویژگی‌های سبکی دیوان مدهوش گلپایگانی را با هنر خوشنویسی منعکس در کتیبه‌های بناهای عصر قاجار فراهم می‌سازد. بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد که همان مفاهیم و مضامین ادبی که در شعر مدهوش، به‌ویژه در قصاید مدحی و غزلیات عارفانه او، جلوه گرفته است، در متن کتیبه‌های مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها و کاخ‌های دوره قاجار نیز با وفور و جلوه چشمگیری مشاهده می‌شود. اشعار منتخب برای کتیبه‌نگاری، عمدتاً از گنجینه شعر کهن فارسی، به‌ویژه آثار شاعرانی مانند سعدی، حافظ و فردوسی وام‌گرفته شده‌اند که هم‌سو با جریان بازگشت ادبی موردتوجه مدهوش نیز بوده‌اند. این همگرایی، نشان از یک ذائقه هنری و ادبی مشترک در سطح جامعه و دربار قاجار دارد. از منظر زیبایی‌شناختی، نوعی هماهنگی بین سبک نوشتاری کتیبه‌ها با سبک شعری مدهوش قابل‌تشخیص است؛ چنانچه کاربرد خطوط نستعلیق و شکسته‌نستعلیق در کتیبه‌ها که بر جلوه بصری و سیالیت متن تأکید دارند، با کاربرد قافیه‌های میانی، ردیف‌های موزون و جناس‌های آوایی در اشعار مدهوش که بر تقویت موسیقی درونی کلام متمرکز است، هم‌سو می‌نماید. همچنین، مضامین مشترکی چون ستایش پروردگار، مدح ائمه اطهار (ع)، توصیف بهار و طبیعت، و مفاهیم عرفانی و اخلاقی، پیوندی ناگسستنی بین جهان‌بینی شعری مدهوش و محتوای کتیبه‌های این عصر ایجاد کرده است. برای نمونه، کتیبه‌های مسجد نصیرالملک در شیراز یا مسجد سپهسالار در تهران که مشحون از آیات قرآنی و ابیاتی از شعرای بزرگ هستند، گواهی بر این مدعاست که خوشنویسی نه به‌عنوان یک هنر تزیینی صرف، بلکه در مقام رسانه‌ای برای انتقال مضامین ادبی و فرهنگی دوران خود عمل می‌کرده است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سبک شعری مدهوش گلپایگانی، به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از جریان بازگشت ادبی، نه‌تنها در قلمرو شعر که در عرصه هنرهای وابسته به کتابت و خوشنویسی، به‌ویژه در هنر کتیبه‌نگاری معماری قاجار، بازتابی ملموس و قابل‌تحلیل داشته است. این پژوهش راه را برای مطالعات بینارشته‌ای در باب تعامل ادبیات و هنرهای تجسمی در دوره قاجار هموار می‌سازد. (تصویر شماره ۱ و ۲)



تصویر شماره ۱: کتیبه‌های مسجد نصیرالملک شیراز



تصویر شماره ۲: کتیبه‌های مسجد سپهسالار تهران

نتیجه‌گیری

بررسی سبک‌شناسانه نسخه خطی مدهوش گلپایگانی، او را به‌عنوان شاعری صاحب‌سبک در دوره بازگشت ادبی معرفی می‌کند که با پیروی آگاهانه از شیوه شاعران خراسانی و عراقی، به‌ویژه در حوزه قصاید و غزلیات، توانسته است اثری ماندگار و در خور توجه پدید آورد. تحلیل ابعاد زبانی، ادبی و فکری اشعار او نشان می‌دهد که کاربرد واژگان کهن، ساختارهای نحوی متقدم، صور خیال بستر ساز و به‌کارگیری صنایع ادبی پیچیده، در کنار مضامین مدحی، تعلیمی و عرفانی، از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی او به شمار می‌آید. این پژوهش همچنین با گذر از مرزهای مطالعات صرفاً ادبی و گام‌نهادن به حوزه مطالعات بینارشته‌ای، نشان داد که سبک و محتوای دیوان مدهوش، بازتابی روشن در هنر کتیبه‌نگاری دوره قاجار داشته است. همان مفاهیم بلند، همان نگاه زیبایی‌شناسانه و همان دقایق زبانی که شعر او را تشکیل می‌دهد، در خطوط نستعلیق و شکسته‌نستعلیق کتیبه‌های بناهای شاخص این دوره، اعم از مذهبی و غیرمذهبی، تبلور یافته و پیوندی ناگسستنی میان ادبیات و معماری برقرار ساخته است؛ بنابراین، مدهوش را می‌توان نه تنها بازمانده برجسته جریان بازگشت ادبی که حلقه‌ای اثرگذار در زنجیره فرهنگی - هنری عصر خویش به شمار آورد که اشعارش آیین تمام‌نمای ذوق و هنر دوران قاجار است. تصحیح و تحلیل انتقادی این نسخه خطی، گامی اولیه و ضروری برای انجام پژوهش‌های ژرف‌تر در حوزه روابط بینامتنی ادبیات و هنرهای تجسمی در ایران دوره قاجار خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ:

- آریان‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). از صبا تا نیما. انتشارات زوار.
- اشراقی، فیروز. (۱۳۸۳). گلپایگان در آیین تاریخی. نشر چهارباغ.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۴). سبک‌شناسی (ج. ۳). انتشارات امیرکبیر.
- پیروزی، پیترو. (۱۳۸۹). تاریخ ایران کمبریج از باستان تا قاجاریه (ج. ۷). (قادری، مترجم). انتشارات مهتاب.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۷۶). معانی و بیان. مرکز نشر دانشگاهی.
- حمیدی، مهدی. (۱۳۶۴). شعر در عصر قاجار. گنج کتاب.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۴۶). فرهنگ سخنوران (ج. ۲). کتاب‌فروشی خیام.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی. انتشارات نوید.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). بیان. انتشارات قلم.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). کلیات سبک‌شناسی. انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۰). انواع ادبی. انتشارات میترا.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۵). طرز عنصری. فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- معین، محمد. (۱۳۷۴). فرهنگ فارسی (ج. ۱-۶). انتشارات امیرکبیر.
- حسینی شیرازی خاوری، فضل‌الله. (۱۳۷۸). تذکره خاوری یا خاتمه روزنامه‌چهارم‌هائون (ج. ۱). (میرهاشم محدث، مصحح). انتشارات زنگان.
- ریپکا، یان. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات ایران از دوره باستان تا قاجاریه (ج. ۱). (ابوالقاسم سری، مترجم). انتشارات سخن.